

نگاه

### وکیل تسخیری چه کسی است؟

وکیل تسخیری و یا وکالت معاضدتی به چه معناست و چرا به صورت رایگان می‌باشد؟ بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همه شهروندان حق داشتن وکیل در دادگاه‌ها را دارند، علاوه بر این هیچکس نباید به دلیل عدم توانایی مالی از حق داشتن وکیل محروم شود. اما در عمل ششاهدیم برخی از شهروندان به دلیل عدم اطلاع کافی یا مشکلات اقتصادی نمی‌توانند از خدمات وکلا استفاده کنند. در این شرایط برای اینکه این حقوق مذکور در قانون اساسی برای این شهروندان تأمین شود قانونگذار دو تاسیس حقوقی به نام‌های وکیل تسخیری وکالت معاضدتی پیش بینی کرده است. وکالت تسخیری وکالتی است که از طرف دادگاه در امور کیفری برای دفاع از متهم به وکلاراجع می‌شود.

وکالت معاضدتی وکالتی است که از طرف کانون وکلای دادگستری یا مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه برای امور حقوقی با رعایت مقررات فصل دوم آیین نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۹ به وکلاراجع می‌شود.

اما تفاوت وکالت تسخیری و معاضدتی چیست؟ قانونگذار برای حمایت از حقوق فرد مردود یا نهاد را در نظر گرفته که وکالت تسخیری و دیگری وکالت معاضدتی نام دارد. این دو نهاد تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که به شرح زیر است.

وکالت تسخیری در امور کیفری و وکالت معاضدتی در امور حقوقی به کار می‌رود.این مهم‌ترین تفاوت این دو نهاد است اما تفاوت‌های دیگری نیز دارند. وکالت تسخیری، وکالتی است که از متهم به عمل می‌آید، یعنی به شاکی در پرونده‌های کیفری وکیل تسخیری تلفق نمی‌گیرد و در صورت استطاعت مالی، شاکی نمی‌تواند درخواست وکیل تسخیری داشته باشد تا از حق وی دفاع کند. اما برای متهم امکان تعیین وکیل تسخیری وجود دارد. در حالی که در وکالت معاضدتی بیشتر خواهان پرونده درخواست وکیل معاضدتی می‌کند این ولی خوانده پرونده هم می‌تواند این درخواست را داشته باشد. بنابراین وکیل تسخیری صرفاً برای متهم انتخاب می‌شود.در همه پرونده‌ها و با هر موضوع شکایتی امکان تعیین وکیل تسخیری نیست.در قانون البته از نحوسوی مت ماده ۱۸۶ و تبصره این ماده که در قانون آیین دادرسی کیفری تنظیم شده می‌توان استنباط کرد که برای هر موضوع کیفری امکان تعیین وکیل تسخیری وجود دارد، اما در عمل چون قانون مواردی را به عنوان موارد الزامی تعیین وکیل تسخیری مشخص کرده در سایر موارد که غیر الزامی است ما در رویه عملی دادگاه‌نادیده‌ایم که وکیل تسخیری برای متهم تعیین شود. در عین حال از نظر قانونی منعی وجود ندارد، بنابراین برای موارد غیر الزامی هم اگر متهم تقاضای وکیل برای خود داشته باشد و مطرح کند که توانایی گرفتن وکیل را ندارد، دادگاهی این خواسته را اجابت و برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌کند.آن موارودی که مهم است وکالت قانونگذار گفته که باید الزاما برای متهم وکیل تعیین شود، موارودی است که مجازات‌های سنگینی برای آن در نظر گرفته شده مثل اعدام، حبس ابد، حبس‌های طولانی مدت و … در این موارد حتما باید وکیل در دولتی حضور داشته باشد و اگر متهم توان تعیین وکیل برای خود را نداشته باشد، دادگاه برای او وکیل تسخیری تعیین می‌کند. مرجع تعیین وکیل تسخیری دادگاهی است که بر پرونده رسیدگی می‌کند، یعنی در همان محکمه‌ای که متهم محاکمه می‌شود قاضی همان محکمه به تقاضای متهم برای وی به انتخاب خود وکیل تعیین می‌کند، حتی اینکه چه کسی وکیل وی شود هم به اختیار دادگاه است. اما در مورد وکیل معاضدتی که بیان شد در این مورد حقوقی دخیل است.قضیه کاملاًمتفاوت است، به این معنی که افراد اگر مدعی هستند که توان اختیار وکیل را ندارند و وکیل می‌خواهند باید به کانون وکلا مراجعه کنند و از اداره معاضدت کانون وکلا تقاضای وکیل معاضدتی کنند. دادگاه به هیچ عنوان دخالتی در تعیین وکیل معاضدتی ندارد. البته از زمان تصویب قانون حمایت از خانواده این اختیار به دادگاه داده شده است که وکیل معاضدتی برای خواهان یا خوانده پرونده‌های خانوادگی تعیین شود. ولی به طور کلی و اصولی این ماده دارای ایراد است. بهتر بود که این اختیار صرفاً تا میزانی پیش از دادگاه ششخص را به کانون وکلا معرفی کند که قبضی بنام می‌شد. این نکته مورد توجه است که

موضوع فوق تنها شامل پرونده‌هایی می‌شود که در

دادگاه خانواده مطرح است نه همه پرونده‌ها. در پرونده‌های کیفری مخصوصاً در مواردی که حضور وکیل الزامی است ومتهم نمی‌تواند برای خود وکیل اختیار کند و دادگاه برای او وکیل تعیین می‌کند.

دادگاه به این مسئله که قابلیت دفاع از متهم وجود دارد یا خیر وارد نمی‌شود، به عبارت دیگر آیا متهم لیاقت دفاع دارد یا نه. متهم چه دلایل علیه وی قوی باشد چه ضعیف برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود. اما در وکالت معاضدتی اگر کسی بیاید و مطرح کند که توان اختیار کردن وکیل را ندارم و از کانون وکلا درخواست تعیین وکیل کند، بر اساس قانون کانون وکلا به شرطی به این فرد متقاضی وکیل می‌دهد که اولاً بی بضاعتی وی حتماً احراز شود، دوم این موضوع باید مورد بررسی قرار گیرد که آیا ادعایی که این فرد مطرح می‌کند و برای آن وکیل می‌خواهد یک ادعای با اساس است یا خیر. اگر دعوی بوج یا واهی باشد، دلایلی کافی نباشد یا قابلیت پیشرفت در آن پرونده به تشخیص کانون وکلا وجود نداشته باشد و وجود

بی بضاعت بودن شخص کانون وکلا بر اساس قانون باید تقاضای او را رد کند و به وی وکیل ندهد، یعنی در وکالت معاضدتی وارد در حق و ماهیت پرونده می‌شوند.اما در پرونده‌های تسخیری اساساً همین که متهم بیان کند که وکیل می‌خواهد دادگاه در موارد الزامی که مسلماً باید وکیل تعیین کند در سایر امور هم می‌تواند به تقاضای شخص وکیل تعیین کند. یکی از موارد دیگری که در مورد وکالت تسخیری می‌توان مطرح کرد این مطلب است که در قانون آمده است در دادگاه برای متهم وکیل تعیین شود، به عبارتی متهم در داسرا وظیفه تشکیل پرونده، تحقیقات مقدماتی، جمع‌آوری ادله، اظهارنظر نهایی نسبت به این متهم را در اختیار دارد، متهم اگر قاعد توانایی مالی برای اختیار کردن وکیل باشد، قوه قضائیه در این مرحله از رسیدگی به وی وکیل نمی‌دهد. این یک ایراد است که فرد در مرحله تحقیق به دلیل عدم توان مالی از داشتن وکیل محروم شود، در حالی که در موارد دیگر حق همراه داشتن وکیل وجود دارد و وکیل در تحقیقات مقدماتی به همراه متهم است اما حق دخالت در تحقیقات را ندارد، یعنی زمانی که داسرا تحقیقات خود را به پایان رساند وکیل مجاز است تا از موکل خود دفاع کند. همین میزان نقضی که قانونگذار برای وکیل در مرحله داسرا قائل شده است، باید برای فرد بی بضاعت هم قائل می‌شد. در حال حاضر ما از این زاویه یک صدقادی در نقض قانون اساسی داریم که شخص در مرحله داسرا حق درخواست وکیل تسخیری ندارد، چه بسا اگر در این مرحله وکیل دخالت می‌کرد شاید اصلاً پرونده به داسرا نمی‌رفت. یکی از اهداف و فلسفه‌های تعیین وکیل تسخیری برای متهم، به اصطلاح توازن سلاح است، یعنی از سوی جامعه و شاکسی در داسرا با همه امکانات در پرونده حضور پیدا می‌کنند و چه بسا از شاکسی دفاع کنند و تحقیقات انجام دهند تا بتوانند اتهام متهم را اثبات کنند. اما از طرف متهم، اگر کسی نباشند که از وی دفاع کنند و خود هم توانایی علمی و عملی نداشته باشد، این نابرابری در دادرسی عمده می‌کند و برای رفع این نابرابری است که وکیل تسخیری تعیین شده است. اما در مرحله داسرا اگر وکیلی برای متهم وجود نداشته باشد چه بسا داسرا مطلق العنان علیه متهم اقدام کند و این با دادرسی عادلانه و منصفانه مغایرت دارد.

وکیل دادگستری بارها برای مفکری درخصوص یک دغدغه مهم و اصیل یعنی حفظ استقلال وکیل و نهاد وکالت دور هم جمع شده اند، امری که نه فقط برای صاحبان این حرفه و نیز خود نهاد مهم است، بلکه برای تأمین حق دادخواهی مردم و اصل (۳۵) قانون اساسی و نیز تحقق شرایط انجام مأموریت عمومی نهاد وکالت ضروری به نظر می‌رسد.
بی‌شک مأموریت‌های مهمی چون مأموریت اهتمام به حاکمیت قانون، مأموریت مشارکت در استقرار رویکرد انصاف و عدالت، مأموریت رصد نقض حقوق و آزادی‌های اساسی ملت، مأموریت تحقق و تثبیت اصل رسیدگی منظم و اجرای اصول دادرسی عادلانه و تضمین حقوق دادخواهی و حق دفاع، از جمله مهمترین بخش‌های مرتبط با موضوع وکالت است

البته من شخشا در مقام

یک وکیل ایبراز عقیده می‌کنم گرچه در این کسوت بودام و مانند هر صاحب حرفه‌ای صداقتنه و بر اساس وجدان حرفه‌ای در مقام اجرای حرفه خود برآمده باشد، به آن افتخار نمی‌کند و این حرفه اگر وکالت باشد که در پیوند وثیقی با تأمین حقوق و آزادی‌های بنیادین ملت مانند حق دفاع و دادخواهی است و این برای من باعث افتخار بیشتر است اما باید توجه داشت که در مقام رد یک نهاد و تأیید یک نهاد و به عبارتی نزلزل یکی و تثبیت دیگری به این موضوع ورود نکرده ام. امروز با نگاهی ملی در مسندی که هدایت امور حقوقی قوه مجریه به عنوان بزرگترین و گسترده‌ترین بخش دولت در معنای خاص، قوه‌ای که مستقیم‌تر از دولت در معنای خاص همین قوه است و نیزبا نگاه به یک افق کلان، ملی و حتی بین‌المللی دست به قلم برده ام.

به نظر می‌رسد که در موضوع این بحث لازم است دقت کنیم که در این افق گسترده، هدف کجاست، از کجا آمدیم و به سوی کجا می‌رویم؟ من از لحاظه دور و بر مینامی چند هزار سال حرکت تاریخی به سوسی مدنیت که آثار آن در جای جای این کشور در تمام بناهای تاریخی و میراث فرهنگی و تمدنی مشاهده می‌شود سخن نمی‌گویم، از لحاظه نزدیک و حرکت نه چندان طولانی تاریخی که از انقلاب مشروطیت یعنی انقلاب ۱۲۹۵ تا انقلاب ۱۳۵۷ که دنباله آن است حرف می‌زنم. هدف هر دو انقلاب بزرگ واگذازی امور مردم به مردم بوده است. بررسی شواهد تاریخی در این عرصه به ما کمک شایانی در فهم موضوع مورد بحث می‌کند.جهان بعد از تمامیت گرای‌های دولت‌های شبسه مدرن قرون

نکته

## آزمون وکالت و بحث اشتغال

**● احمد محمدی سهپوری**

عضو هیئت مدیره انجمن آیین دادرسی مدنی ایران

اینگونه نیست که برخی ادعا می‌کنند ورود به حرفه وکالت، بسیار سخت و انحصاری است بلکه هر فارغ التحصیل رشته حقوق می‌تواند با کسب نمره قبولی در آزمون‌ه که سازمان سنجش کشور برگزار می‌کند، به این حرفه راه پیدا کند.

نتیجه آزمونهایی که از سوی سازمان سنجش کشور برای وکالت برگزار می‌شود، نشان می‌دهد که هر کسی که به طور میانگین نمره ۱۰ از ۲۰ را کسب کند، در کانون وکلای کشور پذیرفته می‌شود. البته طبیعی است در کانون مرکز برای شهر تهران و مراکز استانها حداقل این نمره به حدود۱۲ افزایش می‌یابد ولی نکته جالب این است که نمره نفر اول کانون‌های وکلای کشور حداکثر ۱۸ است. یعنی فردی تاکنون نتوانسته بالاترین نمره این آزمون را کسب کند.
بنابراین کسانی که در رشته حقوق تحصیلکرده اند، اگر سطح علمی خود را افزایش دهند، قطعاً وارد شغل وکالت می‌شوند و تعیین سقف ظرفیت صرفا برای این است که تعداد وکلا به صورت عادلانه در استانها توزیع و ساماندهی امور وکالت ممکن شود.

**دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۳۰۰۱۴۱۴۲۸ در میان بگذارید.**

افتاب.ی‌ز@gmail.com

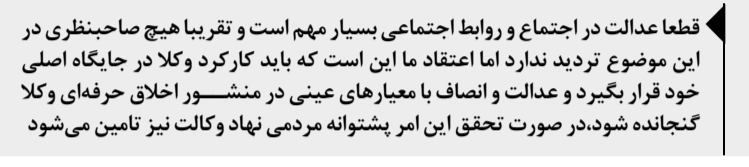
نوشتار اختصاصی لعیاجنیدی معاون حقوقی رئیس جمهور برای آفتاب یزد

# باید تلاش کنیم مردم را با نهاد و کالت آشناتر کنیم

و کلا را تشویق می‌کنیم وکالت تسخیری را قبول کنند



**«قطعا عدالت در اجتماع و روابط اجتماعی بسیار مهم است و تقریبا هیچ صاحبخطری در این موضوع تردید ندارد اما اعتقاد ما این است که باید کارکرد وکلا در جایگاه اصلی خود قرار بگیرد و عدالت و انصاف با معیارهای عینی در منشور اخلاق حرفه‌ای وکلا گنجانده شود، در صورت تحقق این امر پشتوانه مردمی نهاد وکالت نیز تأمین می‌شود**



۱۶ و ۱۷ و… که مأموریت دولت را در اداره همه

امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی… می‌دیدند، به اشتباه بودن و ناکارآمدی این تئوری می‌پرد و راه پیشرفت و ترقی و راه سلامت و تعالی را در واگذازی نه تنها امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بلکه امور سیاسی و حقوقی و قضایی به مردم دیده است. نشان این امر در امور سیاسی، پیدایش تئوری مردم سالاری و دموکراسی است. این بحث در امور حقوقی و قضایی، غرابرویی از داوروی و دیگر طرق جایگزین حل اختلاف و حتی طرح تئوری عدالت ترمیمی در امور کیفری است. یعنی حتی در امر جزایی هم با وجود جنبه عمومی غالب، باید به سوی واگذازی امور به مردم حرکت کنیم.

ما هم در سیاست، انتخابات و تقویت احزاب، هم در اقتصاد، تئوری بازار و سیاست‌های اصل (۴۴) در هم در امور اجتماعی و فرهنگی تشویق سازمان‌های مردم نهاد و آموزش توسط نهادهای خصوصی (مدارس و دانشگاه‌های خصوصی) طی این سال‌ها تجربیات موفق تریز و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی نیز می‌شود و این البته حداقل فایده‌ای است که از تحقق این خواسته می‌بریم

ترویج داوروی و طرق جایگزین حل اختلاف و حتی عدالت تئوری در حقوق جزا را مطرح کنیم. اکنون بسا وجود چنین اهمیتی، چگونه نهاد مدنی مستقلی مثال نهاد وکالت که یکی از مهمترین راه‌وردهای دو انقلاب بزرگ است و قانون استقلال کانون وکلا به عنوان یکی از اجزایی‌ترین چهره‌های مشروطیت دپروز و جمهوری امروز با تلاش مردم و نخست وزیر قانونی وقت به دست آمده را نادیده بگیریم و تضعیف کنیم؟ اگر بخواهیم در مسیر تضعیف این نهاد گام براریم در مسیری بغایت تعارض آمیز گام نپاذهایم.

اما به راستی فایده وکیل مستقل و نهاد مستقل وکالت که از هم قابل تفکیک هم نیستند، چیست؟ پاسخ این استست که بها دادن به این نهاد مستقل نه تنها موجب تأمین امنیت قضایی می‌شود بلکه موجب ترویج و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی نیز می‌شود و این البته حداقل فایده‌ای است که از تحقق این خواسته می‌بریم. فایده استقلال وکیل و نهاد وکالت تنها مؤثر کردن نهاد قضاوت و احکام صادره و قابلیت تفسیر و اجرای احکام دادگاه‌های ایرانی نیست گرچه این هم کف فایده‌ای است که می‌بریم یعنی الان ۹۹درصد احکام در گرو یک‌درصد هستند. به دلیل بی‌توجهی به استقلال وکیل و مشکلاتی مثل تبصره ماده (۴۸)

**دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۳۰۰۱۴۱۴۲۸ در میان بگذارید.**



بقا و واگذازی امور و استقلال و خود انتظامی ممکن است به سادگی طرف اعتماد قرار نگیرند.

هر کشوسری برای دوام و بقای خود ساختارهایی خلق می‌کند، کشسور و مردم ما نیز که با اسلامیت و ایرانیت عجین شده اند، برای اداره نظام سیاسی، خود را مشروط به شرط جمهوریته کرده و بر همین اساس ساختارهایی برای تداوم بقای خودخلق نموده است که در این راستا یکی از اولین و اساسی‌ترین شسروط تضمین حفظ جمهوری اسلامی ایران نهادهایی مثل کانون وکلا هستند که پایبندی خود را به قانون نشان داده‌اند.

حضور جمع قابل توجهی از حقوق دانان در دولت از جایگاه رئیس جمهور تا برخی وزرا و معاونین ایشان، بهترین فرصت را ایجاد کرده تا با کمک اهالی حقوق، گفتمان و زیرساخت‌هایی برای تأمین حقوق اساسی مردم ایجاد و مستقر شود که نتوان به راحتی آن را برچیند. ما همچنین تشویق می‌کنیم تا همه مردم کشور به دنبال استیفای حقوق خود باشند و به عبارتی با نهاد وکالت و وکیل گرفتن عیاق تر شوند و آن را در عمل دنبال کنند.

اعتقاد من این است که دو نهاد وکالت موجود باید با تعامل با یکدیگر به یک نتیجه مشخص برسند تا این موازی‌کاری پایان یابد زیرا موازی‌کاری‌ها در همه امور فقط هزینه ایجاد می‌کند. با موازی‌کاری، استقلال نهاد وکالت را تضعیف می‌کنیم و سرمایه‌های زیادی را به هرز می‌فرستیم.

سرمایه‌های توانمند کشسور نیز که امروز مشاوران حقوقی خوانند به حساب می‌آیند باید در کانون توجه نهاد وکالت باشند و به عبارت صریح تر برای تسهیل امور، کانسون وکلا و دیگر مراکز مرتبط باید با یکدیگر تعامل کرده تا یک نهاد واحد به‌وجود بیاید و این نهاد واحد باید امر وکالت را دنبال کند. کانون‌های وکلا هم باید برای رسیدن به خودانتظامی، خودانتقادی را در دستور کار خود قرار دهند تا آسیباهای درونی خود را ببینند چرا که قصد استقلال وکلا آسیباهای فراوانی به دنبال دارد که مهم‌ترین آن این است که حق دادخواهی مردم تضییع می‌شود این درحالی است که باید به این نکته را نیز مدنظر داشته باشیم که شان وکلا باید توسط خود آنان، نهادهای رسمی و همچنین رسانه‌ها حفظ شود.

البته ما در راستای تحقق خواست مردم و ارتباط بیشتر آنها با نهاد وکالت اقدامات مهمی در دولت انجام داده‌ایم از جمله اینکه برای تحقق حقوق مردم در موضوع وکالت تسخیری و تقویت کالت به این بودجه سال ۹۸ به جد پیگیر این موضوع بودیم که مبلغی بابت وکالت تسخیری به وکلان، پرداخت شود تا کسانی که توان وکیل گرفتن ندارند، بتوانند از وجود وکلا در حکام برخوردار باشند، البته پرداخت مبلغی به وکلا بابت وکالت تسخیری سابقه چندانی ندارد و در سالهای اخیر برای اولین بار است که محقق می‌شود، اما بی‌شک این موضوع هم موجب کمک به مردم در حق دادخواهی‌ها می‌شود و

اصل ۳۵ قانون اساسی در این معنی می‌گوید که در حق دادخواهی‌ها هم موجب کمک به مردم در حق دادخواهی‌ها می‌شود و حق دادخواهی‌ها را تضمین می‌کند. از نظر معنوی هم تلاش‌شده تا از جایگاه نهاد وکالت به نفع مردم ایران دفاع شود. به لحاظ سیاسی نیز در لایحه جامع انتخابات حضور نماینده کانون‌های وکلا در هیئت‌های اجرایی و نظارت بنام بیبی شاد و دولت با تمام این اقدامات در اصل به دنبال ارتقای جایگاه وکلا است.

در این میان مهم‌ترین مسئله اینست که استقلال وکلا هم باید فعال تر باشند و حق حفظ جایگاه این نهاد تلاش کنند و حتی به نظر من باید منشور اخلاق حرفه‌ای توسط خود کانون وکلا تهیه شود.

### هر کشوسری برای دوام و بقای خود

**ساختارهایی خلق می‌کند، کشسور و مردم ما نیز که با اسلامیت و ایرانیت عجین شده اند، برای اداره نظام سیاسی، خود را مشروط به شرط جمهوریته کرده و بر همین اساس ساختارهایی برای تداوم بقای خودخلق نموده استست که در این راستا یکی از اولین و اساسی‌ترین شسروط تضمین حفظ جمهوری اسلامی ایران نهادهایی مثل کانون وکلا هستند که پایبندی خود را به قانون نشان داده‌اند.**

البته تذکر می‌دهم و

اینکه کانون‌های وکلا هم باید فعال تر باشند و حق حفظ جایگاه این نهاد تلاش کنند و حتی به نظر من باید منشور اخلاق حرفه‌ای توسط خود کانون وکلا تهیه شود.

اگر قدری دقت کنیم افزایش تعداد کارمندان دادگستری استان، رئیس دادگاه انقلاب استان و رئیس کانون وکلای آن استان برای هر سال با توجه به نزاری که آن استان یا استان‌های زیر نظر هر کانون دارند، تعیین ظرفیت می‌کنند که چه تعدادی از طریق آزمون در کانون جذب شوند. از سوی دیگر کسانی که نتوانسته‌اند از طریق آزمون وارد این حرفه شوند، کمپینی راه انداخته‌اند که باید ظرفیت آزمون وکالت محدود نباشد و برخی با فراتر گذاشته و می‌گویند باید به هر کسی که تحصیلات مرتبط حقوقی در رشته حقوق و رشته‌های مشابه مانند فقه و مبنای حقوق کشور برای وکالت برگزار می‌شود، نشان می‌دهد و معتقدند اگر چنین کاری صورت گیرد در مجموع یک میلیون شغل در رشته‌های پزشکی و وکالت ایجاد می‌شود این افراد به یک نکته مهم توجه ندارند.

اشتهای اساسی این است که تصور شود اگر به هر یک از ۳۰۰ هزار فارغ التحصیل رشته حقوق پروانه وکالت بدهیم ۳۰۰ هزار فرصت شغلی نیز ایجاد کرده‌ایم، چون ایجاد زمینه اشتغال، از اقتصاد با «استخدام» متفاوت است که برخی این دو را با هم اشتباه می‌گیرند. مثلاً در مقطعی ۳ هزار نفر را به مجموعه شهرداری تهران اضافه کردند در حالی که زمینه شغلی جدیدی ایجاد نشد و صرفاً سه هزار نفر به سازمان تحمیل شد که با نیروهای موجود کار می‌کردند

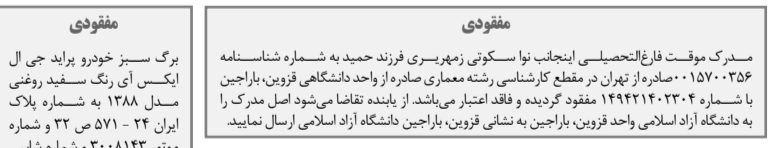
طبق قانون، کمیسیونی متشکل از رئیس کل دادگستری استان، رئیس دادگاه انقلاب استان و رئیس کانون وکلای آن استان برای هر سال با توجه به نزاری که آن استان یا استان‌های زیر نظر هر کانون دارند، تعیین ظرفیت می‌کنند که چه تعدادی از طریق آزمون در کانون جذب شوند.

اینگونه نیست که برخی ادعا می‌کنند ورود به حرفه وکالت، بسیار سخت و انحصاری است بلکه هر فارغ التحصیل رشته حقوق می‌تواند با کسب نمره قبولی در آزمون‌ه که سازمان سنجش کشور برگزار می‌کند، به این حرفه راه پیدا کند.

نتیجه آزمونهایی که از سوی سازمان سنجش کشور برای وکالت برگزار می‌شود، نشان می‌دهد که هر کسی که به طور میانگین نمره ۱۰ از ۲۰ را کسب کند، در کانون وکلای کشور پذیرفته می‌شود. البته طبیعی است در کانون مرکز برای شهر تهران و مراکز استانها حداقل این نمره به حدود۱۲ افزایش می‌یابد ولی نکته جالب این است

که نمره نفر اول کانون‌های وکلای کشور حداکثر ۱۸ است. یعنی فردی تاکنون نتوانسته بالاترین نمره این آزمون را کسب کند.

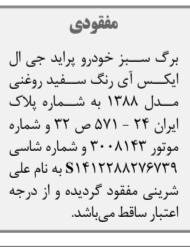
بنابراین کسانی که در رشته حقوق تحصیلکرده اند، اگر سطح علمی خود را افزایش دهند، قطعاً وارد شغل وکالت می‌شوند و تعیین سقف ظرفیت صرفا برای این است که تعداد وکلا به صورت عادلانه در استانها توزیع و ساماندهی امور وکالت ممکن شود.



**آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده انجمن علمی فرش ایران به شماره ثبت ۱۴۹۲۱ (نوبت اول)**

از تمامی اعضای یونسه انجمن دعوت می‌شود به منظور بررسی تغییرات اساسنامه ، در جلسه مجمع عمومی فوق العاده انجمن علمی فرش ایران که در روز شنبه تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱۱ از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در محل انجمن به نشانی: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش خیابان دکتر غفصی (پان شمالی)، مساحتخان دانشگاه علامه طباطبائی، طبقه دوم، اتاق ۲۱۶ برگزار می‌شود حضور یابند.
**دستور جلسه: ۱- اصلاح موازی در اساسنامه ۲- افزایش حق عضویت ۳- تعیین روزنامه کثیرالانتشار فرهنگ آگهی ۴- سایر موارد در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده**

**آگهی تغییرات شرکت جهان سبیز اسپلتیس سهامی خاص به شماره ثبت ۹۵۹ و شناسه ملی ۹۵۹۹۹۲۷۱۴۵** به استناد مور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۹۶۴/۵/۱۳۹۸ تصمیبات ذیل اتخاذ شد:
**۱- آقای سید کاظم حکیمیان کمدلی ۱۷۴۵/۴۴۳۴۵/۴۴۳۴۵ به سمت بازرس اصلی و آقای محمد جلال دهقان اشکذری کمدلی ۱۱۴/۹۸۳۱۱/۹۵۱ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند-۲ روزنامه کثیرالانتشار آفتاب یزد جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد-۳ دوره‌های مالی سال۱۳۹۷ مور تصویب قرار گرفت.
**اداره کل ثبت اسناد و املاک استان یزد مرجع شرکت ها و موسسات غیرتجاری اشکذر (۶۳۰۷۷۱)****



**مفقودی**

برگ سبز سواری سایپا تپ ۱۳۱۵۲ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۴۴۴ م۹۴۴۱۵۹۱۹ و شماره موتور ۱۹۴۶۰۳۳۰۰۱۳۱۰۱ و شماره شاسی ۳۲۰۸۱۴۲۸۲۱۳۲۲۹۳۱۱۰۰۲۳۲۶۸۵۸ NAS۴۱۱۰۰۲۳۲۶۸۵۸ به نام علی نصیری لشتری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.



**مفقودی**

مدرك گواهی فارغ التحصیلی اینجاب حورا طبیعی فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۳۲۱ م‌داره از نیشلور در مقفع لیسانس رشته زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی نیشلور با شماره سریال ۸۲۰۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از پاینده تقاضا می‌شود اصل مدرك را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشلور، بلوار بوشهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشلور، اداره ادش موبختگان ارسال نماید.